



## فرهنگیاری

# رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۰، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۰)

مهری مؤیدمحسنی<sup>۱</sup>

### چکیده

فراهم کردن سیسمونی و از جمله رخت نوزاد از گذشته تا امروز، برعهده مادر بزرگ مادری است. در سیرجان تهیه سیسمونی با آدابی همراه است؛ برخی آداب به زمان تهیه رختو و مشخص کردن ساعت و روز خوش برای خرید پارچه برمی‌گردد که با شیرین کردن کام بزازان همراه است و در عوض با هدیه آنان جبران می‌شود. این پژوهش که به صورت میدانی و با مشاهده مشارکتی فراهم آمده است، به صورت توصیفی، جنس و اجزای پوشاک و رختخواب نوزاد همچون انواع سرپوش، لباس زیر نوزاد و اجزای پوشاک قنناق را مورد بررسی قرار داده و ضمن مرور باورهای پیرامون رخت نوزادان، به آیین‌های مرتبط از جمله رخت‌برون و ناف‌بندو پرداخته است. نتیجه این جستار نشان می‌دهد که پوشاک نوزادان سیرجانی در گذشته، با وجود سادگی، بسیار متنوع و دارای اجزای متعدد بوده و با آداب خاصی تهیه می‌شده است؛ آدابی که امروز تا حدی کم‌رنگ شده است.

کلیدواژه‌ها: سیسمونی، سیرجان، رختو، رخت نوزاد، لافو، رختخواب نوزاد، رخت‌برون.

---

۱. فرهنگیار سیرجان، آموزگار بازنشسته. رایانامه: mehri\_moayed\_mohseni@yahoo.com

## ۱. مقدمه

سیسمونی، رخت و لباس و لوازم خواب نوزاد اول خانواده است که به طور معمول، از سوی مادر بزرگ مادری تهیه می‌شود. در گذشته تهیه سیسمونی با وجود همه آداب‌ی که داشت، در نهایت سادگی انجام می‌گرفت. این مقاله که به صورت مشاهده مشارکتی و با پژوهش میدانی فراهم آمده است، به نحوه تهیه و اجزای رخت و لافوی نوزاد در سیرجان می‌پردازد.

در گویش سیرجانی به لباس نوزاد رختو<sup>۱</sup> گفته می‌شود. «رختو تموم کردن» نیز کنایه از فراهم کردن سیسمونی است که در سیرجان مانند اکثر نقاط ایران برای اولین نوه دختری، بر عهده مادر بزرگ مادری است. بنابراین در خانواده‌ها هر تعداد دختر باشد وظیفه تهیه سیسمونی برای اولین فرزند آنان، بر عهده مادر است او موظف است به نسبت وضعیت مالی با هزینه و به سلیقه خودش برای بچه‌زاده<sup>۲</sup> رختو تموم کند و طبق آداب و سنت پیشینیان در روز و ساعتی خوش «رختو پختو، گاچو، لافو»<sup>۳</sup> را همراه با شیرینی و آجیل و از همه مهم‌تر، قهوه و قوتو - که از تدارکات اصلی زایمان در سیرجان است - به منزل دخترش بفرستد.

## ۲. پیشینه پژوهش

در خصوص رخت و لباس و تهیه سیسمونی نوزاد در سیرجان، به طور جداگانه کتاب یا مقاله‌ای نگاشته نشده است و تنها نگارنده در صفحات ۱۲۴ تا ۱۲۶ کتاب فرهنگ عامیانه سیرجان (۱۳۸۶) به طور خلاصه به اجزای رختو اشاره کرده است.

1. raxtu

۲. نوه

۳. رختو پختو کنایه از لباس‌های نوزاد است و گاچو همان گهواره سنتی است که در گذشته برای تهیه اش زحماتی می‌کشیدند و هزینه می‌کردند و لافو مقصود رختخواب نوزاد است.

### ۳. بحث و بررسی

#### ۳-۱. تدارکات رخت نوزاد پیش از زایمان

##### - زمان تهیه رختو و تدارکات زایمان<sup>۱</sup>

در سال‌های گذشته همین‌که زن وارد ششمین ماه حاملگی می‌شد و به اصطلاح پاشیه تو ماه شیش می‌داشت، اقدامات لازم برای تهیه و تدارک زایمان شروع می‌شد و برای نوزادی که جنسیتش مشخص نبود و زایمانی که تاریخش را نمی‌دانستند همه چیز را به گونه‌ای فراهم می‌کردند که در اواخر ماه شیش به منزل زن حامله برسد و دغدغه‌ای نباشد. بنابراین اگر زن حامله هفتوکی<sup>۲</sup> و یا هشتوکی<sup>۳</sup> پا فارغ می‌کرد<sup>۴</sup> جای نگرانی نبود. با توجه به اینکه تدارکات اولین بچه خانواده بر عهده مادربزرگ مادری بود، شوق و ذوق و سلیقه او در برگزاری آیین و سنت، تأثیر زیادی داشت ضمن اینکه وضعیت مالی خانواده و همچنین رضایت از ازدواج دختر هم در برگزاری این مراسم و نقش مهمی ایفا می‌کرد.

##### - ساعت و روز خوش برای خرید پارچه

بدیهی است که اعیاد مذهبی را بهترین و مناسب‌ترین موقعیت برای انجام کارهای خیر می‌دانند. بنابراین یک روز قبل از عید و یا همان روز اگر بازار تعطیل نباشد خریداران جهیزیه عروس، رختوی نوزاد، لباس عروس و لوازم منزل جدید، در بازار فراوانند و فروشندگان هم سرِ کیف و خوشحال و خوش برخورد با مشتریان روبه‌رو می‌شوند. گفتنی است که گاه برای خرید عروسی و سیسمونی نوزاد جمعیتی همراه خریدار دیده می‌شوند که به وجودشان نیازی نیست و حتی از سلیقه و نظریاتشان هم

۱. این زمان مختص تهیه سیسمونی بچه اول نبود، مادران در هر بارداری به این نکته توجه داشتند.

۲. در ماه هفتم بارداری

۳. در هشتمین ماه بارداری

۴. وضع حمل می‌کرد

## ۱۵۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

استفاده چندانی نمی‌شود. دعوت از این گونه افراد فقط به دلیل حفظ حرمت‌های فAMILI و رعایت سنت گذشتگان است.

## - کام شیرین کردن

در گذشته افرادی که برای خرید مراسم عروسی، زایمان و... به بازار می‌رفتند، به طور حتم مفروشویی<sup>۱</sup> یا افتنگویی<sup>۲</sup> پر از پیرمه<sup>۳</sup> یا نقل معطر به بیدمشک و نسترن و هل با خودشان می‌بردند و قبل از خرید به فروشنده تعارف می‌کردند و از او می‌خواستند کامش را شیرین کند، فروشنده هم با ذکر بسم‌الله و صلوات و دعای خیر و گفتن «کام شیرین باشین» دهانش را شیرین می‌کرد و بعد با خوشرویی هر چه تمام‌تر در خدمت مشتری می‌ایستاد و سعی داشت مطابق میل و سلیقه او باشد و هرگز خلق‌تنگی<sup>۴</sup> نکند و باعث اوقات تلخی مشتری نشود، این موضوع واقعاً مهم بود و همیشه رعایت می‌شد. قابل ذکر است که در موقع خرید لباس عیش<sup>۵</sup> اگر مشتری دیگری برای خرید لباس عزا و حتی لباسی برای از عزا بیرون آوردن عزاداران، از راه می‌رسید فروشنده در نهایت احترام او را رد می‌کرد تا مبادا خریدار اول دل‌چرکین شود. در این گونه مواقع تا حد امکان صحبت‌های ناخوشایند هم مطرح نمی‌شد و از اتفاقات ناگوار و گرفتاری‌ها حرفی به میان نمی‌آمد که شگون نداشت.

## - هدیه بزّازان

به طور معمول، بعد از خرید لُکچه<sup>۶</sup> مشتریان، فروشندگان، پارچه‌ها را در مترآژی از پارچه به اندازه ۱ در ۱ متر و یا بقچه‌ای آماده می‌بستند و به آنان تقدیم می‌کردند این

۱. مفرشو: کیسه‌ای گرد که کاربری زیادی دارد.

۲. افتنگو eftengu یا پتنگو petengu: دستمال و یا پارچه‌ای که در آن مواد غذایی، وسایل مختلف، وسایل خیاطی و... می‌گذارند و گره می‌زنند.

۳. آبنبات

۴. بدخلقی

۵. عروسی و سیسمونی

۶. عمده، زیاد

## رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۵۵

دستمال هدیه بزار بود که به خریدار تقدیم می‌شد<sup>۱</sup> و البته ارزش مالی آن هم بستگی به خرید مشتری داشت و بسیار دیده می‌شد که بزازها از پارچه‌های کم‌ارزش یا حتی معیوب برای سارغ و بقچه رایگان استفاده می‌کردند و بعضی اوقات، بقچه‌های قلمکار اصفهان، دستمال‌های یزدی و یا پارچه‌های ارزشمند به مشتریان هدیه می‌دادند. به هر حال این رسم و رسوم سال‌هاست که منسوخ شده و بزازان جوان امروزی از این‌گونه بذل و بخشش‌ها ندارند و اگر هم جایی دیده شود، بسیار کم است.

### ۲-۳. لافو یا رختخواب نوزاد

مقصود از لافو مجموعه رختخواب نوزاد است که شامل یک دُشکچه<sup>۲</sup> لحافی سبک و کوچک<sup>۳</sup> بالشی کوچک یا به اصطلاح کم‌بار<sup>۴</sup> و یک دُشک بزرگ‌تر برای گاجو؛ همچنین لحافی مناسب و بالشی بزرگ‌تر همراه با یکی دو پارچه نازک و خنک برای پوشاندن صورت بچه می‌شود که به آن روپوش<sup>۵</sup> می‌گفتند.

### ۳-۳. جنس و اجزای پوشاک نوزاد

پیش از پرداختن به اجزای لباس نوزاد بهتر است درخصوص جنس پارچه‌ها بحث شود. در اینجا صحبت از رختو یا همان سیسمونی نوزاد است و بنابراین به ذکر جنس و نوع پارچه‌هایی پرداخته می‌شود که برای تهیه لباس و رختخواب نوزاد خریداری می‌شدند و البته وضعیت مالی خانواده‌ها و سلیقه خریدار در انتخاب آنها تأثیر داشت. انتخاب پارچه‌ای نرم و لطیف برای لباس زیر و سرپوش نوزاد از ضروریات بود و به طور معمول، از پارچه‌های ململ یا وال نخ<sup>۱</sup> با رنگ سفید پسنندیده می‌شد. برای

۱. معمولاً این هدیه را در موقع خرید لباس عیدی هم به مشتریان می‌دادند.

۲. دُشکو

۳. لافو

۴. نازبالشو

۵. روپوش معمولاً از پارچه‌های وال نخ<sup>۱</sup> گلداز یا ساده انتخاب می‌شد و این پوشش در اندازه بزرگ هم جز جهیزیه دختران بود در تابستان کاربری زیادی داشت.

## ۱۵۶ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

پیرنو<sup>۱</sup> هم که اغلب فاقد یقه و دارای آستین‌های بلند و کشدار بود، از پارچه‌ای ضخیم‌تر از مَلَمَل مانند گودری<sup>۲</sup> سیلک<sup>۳</sup> یا ساتین<sup>۴</sup> استفاده می‌کردند و پارچه‌های پتویی، مخمل پشت نخ‌ی و شال هم برای فصل زمستان مناسب بود.

از پارچه‌های برق برقو و زرک‌دار<sup>۵</sup> برای دوخت لباس‌های دخترانه و لباس مناسب با شب شیش<sup>۶</sup> و روز دهم زایمان استفاده می‌شد و گاه دو پوشش سینه‌پوشو و کوتو<sup>۷</sup> یا یل و سینه‌بند<sup>۸</sup> را از یک نمونه پارچه انتخاب می‌کردند و این دو پوشش در مرحله آخر، یعنی بعد از بستن<sup>۹</sup> نوزاد به تنش پوشانده می‌شد. پارچه‌هایی که برای سارغ، قوایه و بندریجه یا به طور کلی قن‌داق کردن نوزاد از آنها استفاده می‌شد، تا حدود ۷۰-۶۰ سال پیش از جنس دِویت<sup>۱۰</sup> چیت و پاتیس بودند اما رفته رفته، پارچه‌های گُل مَنگلی<sup>۱۱</sup> کنار رفتند و سارغ‌ها از تترون سفید و قوایه‌ها از پاتیس‌های رنگی زرد، صورتی و آبی انتخاب شدند و بندریجه هم هم‌رنگ و هم‌جنس پارچه‌ای بود که از آن سارغو<sup>۱۲</sup> را می‌دوختند. از پارچه‌های مخمل، شال، گُرگُر<sup>۱۳</sup> ترمه و حتی چیت و پتویی هم برای رختخواب نوزاد استفاده می‌کردند. ضمن اینکه لحاف و بالش پته هم در بین بعضی تدارکات سیسمونی به چشم می‌خورد.

۱. پیراهن کوچک

۲. گودری

۳. سیلک، ابریشم

۴. ساتن

۵. زرق و برق‌دار

۶. یکی از آیین‌ها و جشن‌های مراسم زایمان

۷. سینه‌پوش و کُت کوچک

۸. مقصود از یل همان پوشش کُت مانند است و سینه‌پوشو و سینه‌بند و هم همان پوشش ژلیه مانند و جلیقه مانند است که برای نوزادان دوخته می‌شد.

۹. قن‌داق کردن

۱۰. نوعی پارچه نخ‌ی

۱۱. گل‌دار، نقش‌دار و شلوغ

۱۲. آوردن (واو) در آخر اسامی و حتی صفات و بعضی اوقات ضمائر در سیرجان بسیار رایج است مثلاً اونو ر بده یعنی آن شی را بده، یا اینو ر نگاه کن به این شی نگاه کن، یا چه پیرنو سفید و خوشگلوبی.

۱۳. نوعی پارچه ضخیم خاص پده و لحاف

## رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۵۷

برای پوشاندن سر نوزاد نیاز به چند پوشش بود که از پارچه‌های متفاوت تهیه می‌شد، برای مثال، از ململ و وال برای ته‌سرو، دورگوشو و کلوته استفاده می‌کردند و از پارچه‌های ضخیم و تا حد امکان نفیس، برای انواع کلاه‌های دخترانه و پسرانه. ضمن اینکه پارچه‌های چادری زنانه البته با رنگ‌های شاد را هم برای چادرو (چادر کوچک) انتخاب می‌کردند. سرپوش‌ها نیز هر کدام قسمتی از سر بچه را می‌پوشاندند و تعدادشان کم نبود.

### ۱-۳-۳. انواع سرپوش نوزادان

– ته سرو: سیرجانی‌ها به ملاح «شیردون» می‌گویند و از آنجا که این قسمت سر



تصویر ۱. ته سرو

نوزادان از بدو تولد تا مدتی کوتاه، نرم و آسیب‌پذیر است، سخت‌هادر و بیدارند<sup>۱</sup> و سعی دارند که شیردون تازه بماند، خشک نشود، ته نکشد<sup>۲</sup> و یا بر اثر بی‌توجهی بزرگ‌ترها، بچه‌ای به این قسمت سر نوزاد آسیبی نرساند. اولین اقدام، پوشاندن شیردون است که در گذشته از پارچه‌ای کوچک و سه‌گوش، از جنس نرم و لطیف برای این کار استفاده می‌کردند و به آن ته سرو می‌گفتند. (تصویر ۱)

– کلوته<sup>۳</sup>: بعد از قرار دادن ته‌سرو در قسمت ملاح، گُل سر و گردن نوزاد در پوشش مقنعه‌مانندی به نام کلوته پنهان می‌شد. پشت کلوته به طور معمول، با دو بند یا بندینک که به کلوته دوخته شده بود، به هم گره می‌خورد و در ماه‌های بعدی به جای بندینک از سوزن قلفی<sup>۴</sup> استفاده می‌کردند. (تصویر ۲)

۱. به شدت مراقبتند.

۲. فرو نرود.

3. kolute

۴. سوزن قلفی.



تصویر ۲. کلوته یا مقنعه

- دور گوشو، رو سرو: پس از پوشاندن سر با کلوته، نوبت به بستن سر بچه با دور گوشو، لچک یا رو سرو<sup>۱</sup> می شد که آن هم از جنس پارچه کلوته و ته سرو بود و اغلب به رنگ سفید انتخاب می شد. انتخاب رنگها و حتی جنس پارچهها سلیقه‌ای بود اما گاه در بین چند عدد روسری، یک روسری گلدار هم دیده نمی شد. (تصویر ۳)

- دستمال: بعد از این، نوبت به بستن پیشانی نوزاد می رسید که برای آن هم دستمال کوچکی تهیه می شد که انتخاب



تصویر ۳. دور گوشو یا روسری

۱. روسری کوچک



## رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۵۹

جنس و رنگش بستگی به سلیقه خریدار داشت. گاه از دستمال‌های ابریشمین، زمانی از دستمال‌های آماده یزدی و بعضی اوقات هم از پارچه‌های معمولی به شرط اینکه رنگ تیره نداشته باشند، استفاده می‌شد و دلیل کار این بود که پیشانی نوزاد تخت و صاف بماند و به اصطلاح سیرجانی‌ها <sup>۱</sup> نشود. مدت زمان بستن پیشونی نوزادان ده تا چهل روز بود. (تصویر ۴)



تصویر ۴. دستمال یا پیشانی‌بند

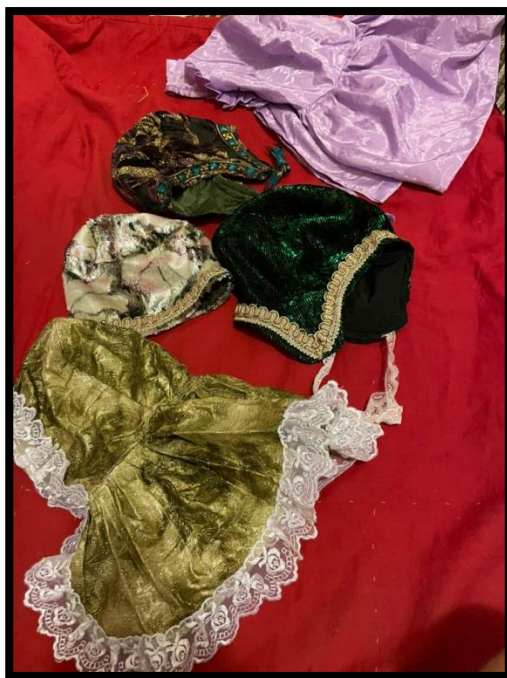
– کلاه: آخرین پوشش سر نوزادان کلاه بود. به طور معمول در روزهای اول، از کلاهی ساده به نام تاجو<sup>۲</sup> که به مقتضای فصل از جنس مناسبی، انتخاب و با نواردوزی‌ها و یراق‌دوزی‌های زیبا تزئین شده بود، استفاده می‌کردند اما رفته رفته نوع کلاه عوض شد. پوشش کلاه، بستگی به تغییرات هوا داشت و اغلب در هوای سرد از

۱. برجسته

۲. تاج کوچک

## ۱۶۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

کلاه گوشو<sup>۱</sup> یا کلاه‌های ورچیدنی<sup>۲</sup> ظریف استفاده می‌کردند و در تابستان به ندرت نوزادان و بچه‌های زیر یکسال را بدون پوششی مناسب مانند کلوته یا کلاه چینوی دخترانه می‌دیدیم. از این پوشش‌ها به این دلیل استفاده می‌شد که آفتاب و گرما به سر بچه نخورد و به اصطلاح او را گرمایی<sup>۳</sup> نکند. البته کلاه‌های متفاوتی جز لباس‌های نوزاد نیز به چشم می‌خورد که بعضی از آنها دخترانه بود مانند «کلاه چینو» که تزئینات زیبایی داشت و دوخت و دوزش بسته به سلیقه خیاط بود که چقدر وقت بگذارد و تا چه حد ظرافت و سلیقه به خرج دهد. (تصاویر ۵ تا ۸)



تصویر ۵. انواع کلاه

۱. کلاهی که گوش‌های بچه را می‌پوشاند و دو طرف آن با بند یا قیطان زیر گلوی نوزاد گره می‌خورد.

۲. بافتنی

۳. گرمازده

رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۶۱

فرهنگ سیرجان

شماره ۶۵ تابستان ۱۴۰۰



تصویر ۶. تاجو یا کلاه ساده



تصویر ۷. کلاه چینو



تصویر ۸. کلاه گوشو

### ۲-۳-۳. پوشاک زیر نوزاد

- زیر پوشو یا زیر پیرنی<sup>۱</sup>: اولین پوشش تن نوزاد بود که از پارچه‌ای نرم، ضد حساسیت و تا حد امکان سفید انتخاب می‌شد این پوشش به طور معمول آستین رکابی<sup>۲</sup> یا نیمه آستین بود و کمتر اتفاق می‌افتاد که مانند پیراهن اصلی یا به گویش سیرجانی‌ها «پیرنو» آستین بلند باشد.

- سینه‌بندو یا سینه پوشو: دومین پوشش نوزاد، سینه‌بندو یا سینه پوشو بود که در فصول سرد به طور حتم استفاده می‌شد؛ جنسش متناسب با وضعیت هوا بود و استفاده از آن تا سنین چهار یا پنج سالگی ضرورت داشت و بخشی از لباس حمام بچه‌ها به شمار می‌رفت. کمتر اتفاق می‌افتاد که بچه‌ای در فصول سرد از حمام عمومی خارج شود و سینه پوشو و کلاهی مناسب نداشته باشد. این پوشش‌های دست‌دوز و دست‌باف که تا حدود پنجاه سال قبل متداول بودند، با روی کار آمدن حمام در منازل از رده خارج شدند.

۱. پیراهنی

۲. آستین حلقه

## رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۶۳

– **پیراهن اصلی یا پیرنو:** رو پیرنی<sup>۱</sup> یا پیرنو<sup>۲</sup> یک پیراهن بدون یقه و آستین بلند بود که روی سینه پوشو بر تن نوزاد می پوشانند و جنسش را متناسب با فصل انتخاب می کردند. رنگ آن هم اغلب سفید بود.

– **لباس رو و آخرین پوشش نوزاد:** به گت نوزاد «یل» می گفتند و آن را به طور معمول بعد از قنطاق کردن می پوشانند. تنها لباس نوزاد بود که به طور کامل مشخص



تصویر ۹. سارغو

می شد زیرا بقیه لباس ها زیر سارغ و قنطاق پنهان بودند. گفتنی است که در اغلب موارد از یل و سینه پوشویی که با پارچه همجنس و هم رنگ دوخته شده بود، با هم استفاده می کردند و هر دو را بعد از قنطاق کردن بچه به او می پوشانند که در این صورت سینه پوشو روی پیراهن اصلی پوشیده می شد. این نوع پوشاندن لباس به تن نوزادان، منحصر به ده روز اول زایمان بود که سیل اقوام و دوستان و آشنایان برای دیدار از زائو و آوردن چشم روشنی<sup>۳</sup> روان بود و همه سعی داشتند بچه را

بینند و سر تا پایش را ورنانداز کنند، بویژه اگر بچه بار اول<sup>۴</sup> بود و رختو پختوها هم دست خرید و سلیقه مادر بزرگ بودند.

۱. رو پیراهنی

۲. پیراهن کوچک

۳. کادو زایمان

۴. اولین بچه

### ۳-۳-۳. اجزای پوشاک قنداق کردن نوزاد

بستن یا قنداق کردن نوزاد در گذشته بسیار متداول بود چنان که گاه بچه‌ها را تا یک سال و نیم یا حتی دو سال می‌بستند. برای قنداق کردن بچه‌ها، ابتدا به سارغو نیاز بود که پارچه‌ای با مترای ۱ در ۱<sup>۱</sup> بود و یک بالشتک به نام قلطونو<sup>۲</sup> در اندازه ۲۰ در ۲۰ سانتی‌متر که بین دو لایه سارغ قرار می‌دادند تا از سر و گردن بچه محافظت کند. قلطونو همیشه با معلوج<sup>۳</sup> پر می‌شد و روکش آن پارچه‌ای نخی و خنک بود. (تصاویر ۹ و ۱۰)



تصویر ۱۰. قلطونو

۱. روی سیسمونی نوزادان سه‌الی چهار سارغ با اندازه‌های مختلف بود که به نسبت رشد بچه عوض می‌شد.

2. galtunu

۳. پنبه مرغوب

## - مشما

از ضروریات سیسمونی، دو قطعه مشما یا مشمع خانگی بود که در منزل تهیه می‌شد و از یکی، برای قنداق کردن نوزاد و از دیگری، به منظور پوشاندن دشک یا کوش<sup>۱</sup> گاجو<sup>۲</sup> استفاده می‌کردند. طرز تهیه مشمع به این صورت بود که منفذ پارچه‌های ضخیم مانند چیت، متقال و ناشور را با مومی که حرارت داده بودند، می‌پوشاندند و پس از اینکه از بسته شدن منافذ مطمئن می‌شدند آن را از دو طرف آسترکشی می‌کردند و می‌دوختند. به طور معمول، این گونه مشمع‌ها پارچه‌ای موم‌کشی در پوششی کیسه‌مانند بودند و نسبت به سایر پارچه‌ها وزن سنگینی داشتند. مشمعی که برای قنداق بچه تهیه می‌شد، سه‌گوش و مشمع گهواره، مستطیل شکل بود. شستن مشمع هم کار آسانی نبود و به نسبت سایر لباس‌ها کمتر شسته می‌شد. اغلب برای شستن مشمع خانگی از آب کاملاً سرد استفاده می‌کردند و آن را در سایه قرار می‌دادند تا موم‌ها باز نشوند.

## - قوایه<sup>۳</sup>

در گویش سیرجانی به کهنه بچه قوای یا قوایه گفته می‌شود. در سال‌های گذشته قوای از پارچه‌های نخی و به طور معمول چیت تهیه می‌شد اما بعدها پارچه‌های رنگی ساده پاتیس که به همین منظور عرضه می‌شدند مورد استفاده قرار گرفت. تعداد قوایه به نسبت سایر لباس‌های نوزاد، بیشتر بود و اغلب شش تا دوازده قطعه پارچه چهارگوش کوچک‌تر از متر از سارغ، به عنوان قوای در بین لباس‌ها دیده می‌شد؛ البته نیاز به قوایه بیش از این تعداد بود و مادر، خود به مرور تهیه می‌کرد.<sup>۴</sup>

۱. کوش به معنی ۱- بغل، آغوش می‌آید ۲- مقصود از کوش گاجو کف گهواره است که معمولاً پارچه‌ای یا بافتنی است.

۲. کف گهواره سنتی

### 3. gavâye

۴. با توجه به دفعات باز و بسته کردن نوزاد و نیاز به قوایه بویژه در فصل سرما که شستن و خشکاندن مشکلاتی داشت مادران از چادرها و ملحفه‌های کهنه و هر نوع پارچه نخی مناسبی برای قوایه یا کهنه بچه‌ها استفاده می‌کردند و از آنجا که شست‌وشوی روزانه این پوشش باعث کهنه شدن یا به قول سیرجانی‌ها شهلیدن (پوسیدن، فرسوده شدن) آن می‌شد، و خانواده‌ها پوت (کفاف) خرید پارچه جدید و به اصطلاح قوایه نو را نمی‌دادند، مجبور بودند از پارچه‌های کهنه استفاده کنند.

بعد از اینکه مشمع و دست کم دو عدد قوایه را روی سارغی که به صورت سه‌گوش پهن شده بود، قرار می‌دادند، بچه را در حالی که همه لباسش را جمع می‌کردند و بالا می‌زدند، روی آن می‌خواباندند و کمی از قوایه را از بین دو پای او عبور می‌دادند تا دو پا به هم ساییده نشود، آن‌گاه با یک دست، دو پا را نگه می‌داشتند و با دست دیگر، لایه‌های قوایا<sup>۱</sup> و مشمع را روی پای بچه می‌آوردند. در این مرحله، لباس‌های زیر بچه روی قوایه کشیده می‌شد تا زیر لایه‌های سارغ پنهان شود. در آخرین مرحله، قسمت پایین و بعد هم، لایه‌های سارغ را به گونه‌ای جمع می‌کردند که بچه به طور کامل پوشانده شود.

### – بندریجه<sup>۲</sup>

بندریجه بندی بود از جنس پارچه سارغ، با طولی حدود یک و نیم متر و عرض پنج سانتی‌متر که با آن بچه را می‌بستند، البته پیچیدن ریجه به دور سارغ و گره زدن آن، مهارتی می‌خواست که همه کس آن را نداشت و به طور معمول این کار برعهده مادر بزرگ‌ها و ماماها بود و به مادران جوان هم آموزش می‌دادند. گفتنی است در وسط بندریجه که تقریباً روی سینه نوزاد قرار می‌گرفت، دوختن مهره‌های ضد چشم‌زخم و آویزه‌هایی از سنگ‌های زاغ<sup>۳</sup> و نمک معمول و متداول بود. بندریجه هم از جمله وسایلی بود که مادران نگه می‌داشتند و برای فرزندان بعدی از آن استفاده می‌کردند. مادران جوان که در زمینه بستن نوزاد تجربه‌ای نداشتند، بعضی اوقات گره شلی به بندریجه می‌زدند و قنطاق باز می‌شد، برخی اوقات هم بر اثر محکم بستن بند، فشاری به پاهای بچه می‌آمد که برایش غیر قابل تحمل بود. به این ترتیب، بزرگ‌ترها مجبور بودند هر روز سری به مادر جوان بزنند و باز و بستن<sup>۴</sup> را به او آموزش دهند. شایان ذکر است که بستن دو دست نوزاد در سه روز اول تولد حتمی بود و بعد از آن هم،

۱. جمع قوایه

2. banderije

۳. زاغ

۴. باز کردن و بستن قنطاق



## رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۶۷

دست راستش به مدت دو روز در قنناق بسته می‌ماند. سپس نوبت به دست چپ می‌رسید که دو روز بسته می‌شد. این عمل را به این دلیل انجام می‌دادند که استخوان‌ها کج نشود و خستگی ناشی از چنقرو<sup>۱</sup> بودن<sup>۲</sup> در شکم مادر از تن نوزاد بیرون رود.

### چادرو

چادر آخرین پوشش نوزاد است؛ خواه نوزاد پسر و خواه نوزاد دختر. بعد از پوشاندن و قنناق کردن، چادر تا دهمین روز زایمان مورد استفاده بود و بعد از آن از رده خارج می‌شد و مادر از آن محافظت می‌کرد تا در زایمان‌های بعدی هم مورد استفاده قرار گیرد.



از چادرو که جزء ضروریات سیسمونی نوزاد است، به خوبی مراقبت می‌شد و بعد از اینکه به اصطلاح بساط بچه‌داری، جمع و زک و زایمون تموم می‌شد<sup>۳</sup> چادر را هم همراه با گاجو جمع می‌کردند تا در موقعیتی مناسب به صاحب اصلی‌اش<sup>۴</sup> برگردانده شود. از آنجا که چادر از پوشش‌های ماندنی بود، برای تهیه آن، پارچه‌های مناسب و خوشرنگ و رو را انتخاب می‌کردند. (تصویر ۱۱)

تصویر ۱۱. چادر

1. çonqoru

۲. مجاله و فشرده بودن

۳. دوران زایمان و بچه‌داری به پایان رسید

۴. بچه اولی

## ۱۶۸ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

### ۳-۴. آیین‌های مرتبط با رخت نوزاد

#### ۳-۴-۱. ناف بندو

کار حساس و مهمی که ماماهاى قدیمی انجام می‌دادند، بریدن ناف نوزاد بود که با دقت انجام می‌شد. برای چیدن یا بریدن بند ناف، از قیچی خیاطی استفاده می‌کردند؛ این قیچی را قبلاً در آب می‌جوشانند و پس از خشک کردن، حتماً با الکل ضدعفونی می‌کردند و در پارچه‌ای تمیز می‌پوشانند و در دسترس ماما و یا هر کس دیگری که مسئول چیدن ناف بود می‌گذاشتند.<sup>۱</sup> پس از چیدن ناف و بستن آن با نخ و بندی که ضدعفونی شده بود، لباس‌های زیر نوزاد پوشانده می‌شد. ماما موظف بود تا دهمین روز زایمان به زائو و نوزاد سر بزند و ناف بچه را معاینه کند. همین که اضافی ناف می‌افتاد، نوبت به بستن آن می‌رسید که برایش وسیله‌ای از قبل آماده شده بود و آن پارچه‌ای بلند و دو سه لایه از جنس نرم و لطیف بود که در وسط آن سکه‌ای دو یا پنج ریالی را که جوشانده و ضدعفونی کرده بودند می‌گذاشتند و برای جلوگیری از جابه‌جایی، دور تا دورش را می‌دوختند و برای مدتی ناف بچه را به وسیله آن می‌بستند. در صورت آلوده شدن ناف بند نیز آن را دور می‌انداختند و پارچه و سکه دیگری انتخاب می‌کردند.<sup>۲</sup>

#### ۳-۴-۲. رخت برون

یکی از مجالس شادی و جشن‌های زنانه‌ای که در سال‌های گذشته در سیرجان بر پا می‌شد، جشن رخت‌برون نوزاد بود. با توجه به اینکه تا ۷۰-۶۰ سال قبل فروشگاه‌های عرضه سیسمونی و لباس آماده نوزاد در سیرجان دایر نبود، دوخت لباس و رخت‌خواب

۱. بعضی اوقات مادر بزرگ یا زن سیده و محترمه‌ای ناف نوزاد را می‌برید و امکان داشت ناف را به نام فرزند پسر یکی از نزدیکان مثلاً دایی، عمو ببرند و این نوزاد از بدو تولد ناف بر و نامزد شخصی شود که بزرگترها انتخاب کرده‌اند. کام برداشتن هم کاری بود که ممکن بود غیر از ماما شخص دیگری انجام دهد و برای این عمل شخص انگشت شصت را تمیز می‌شست و به تربت حضرت سیدالشهداء آغشته می‌کرد و با ملایمت به ساق یا سقف دهان نوزاد می‌کشید و این عمل را دو سه بار انجام می‌داد و به اصطلاح کام برداشته می‌شد.

۲. سکه ناف بندو را بعداً به عنوان صدقه بیرون از منزل می‌انداختند تا مستحقی بردارد.

## رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۶۹



شماره ۶۵ تابستان ۱۴۰۰

یا حتی تهیه گاجو، به صورت سنتی و خانگی انجام می‌شد. پس از تهیه پارچه‌های مورد نیاز، روزی را برای بریدن لباس‌های نوزادی که جنسیتش مشخص نبود معلوم می‌کردند و با حضور جمعی از اقوام پدری و مادری و شخصی که به خوش قدمی و خوش دستی معروف بود و در نهایت خیاط خانوادگی، مراسمی برگزار می‌شد که امروزه تقریباً منسوخ شده است، زمان برگزاری مراسم رخت‌برون در اعیاد مذهبی یا عصر یکی از روزهای خوش هفته، دوشنبه، چهارشنبه یا جمعه بود. مراسم رخت‌برون اولین بچه به طور معمول در منزل مادر بزرگ مادری طبق دعوت قبلی و با پذیرایی مفصل و حضور زن دایره<sup>۱</sup> زن برگزار می‌شد و کاملاً زنانه بود. در این جلسه نیز مانند سایر مجالس جشن یا حتی میهمانی‌های عادی، از مدعوین با شربت معطر عرق بیدمشک، نسترن و یا عرق نعنا پذیرایی می‌شد و هرگز از افزودنی‌هایی که مزه ترش داشتند، استفاده نمی‌کردند چون دهان‌ها ترش می‌شد و شگون نداشت.

بعد از شربت مدعوین با چای و انواع شیرینی و میوه البته اگر در دسترس بود، پذیرایی می‌شدند و در نیمه‌های، جلسه پارچه‌های خریداری شده از سوی مادر بزرگ را که در چمدان یا بقچه‌ها پیچیده بودند، به مجلس می‌آوردند و در این موقع مدعوین کف دست<sup>۲</sup> می‌زدند و کلولو<sup>۳</sup> می‌کشیدند و زن دایره‌زن هم آهنگ‌های شاد می‌خواند و دایره می‌زد. انواع آبادون یا ترانه‌های عروسی هم در این گونه مجالس خوانده می‌شد. پارچه‌های خریداری شده را یکی از اعضای خانواده یا فامیل به حضار نشان می‌دادند و آنگاه مادر بزرگ قیچی را به یکی از خانم‌هایی که به خوش قدمی و خوش دستی و خوشبختی<sup>۴</sup> معروف بود، می‌سپرد و از او می‌خواست اولین لباس بچه را ببرد. وی هم با سلام و صلوات گوشه‌ای از پارچه را می‌برید و برای سلامتی نوزاد و زایمان آسان و بموقع زن حامله دعا می‌کرد. بعد از آن خیاط خانوادگی اقدام به بریدن لباس‌ها می‌کرد

۱. در گویش سیرجان به دایره، دایره گفته می‌شود.

۲. دست زدن

۳. کل کشیدن

۴. این افراد معمولاً از بین زنان بیوه، مادران داغ‌دیده، طبقه فقیر و کم‌درآمد نبودند و از هر جهت تأیید می‌شدند.

## ۱۷۰ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

و با برش دادن پارچه‌ها، فریاد صلوات و سپس کلولو و شادمانی بلند می‌شد و حضار در مهمانی سعی در گرم کردن مجلس می‌کردند. دوخت لباس‌های نوزاد و همچنین یک دست لباس کامل برای مادر که پارچه‌اش را مادر بزرگ خریداری کرده بود، ظرف مدت کوتاهی انجام می‌شد و مادر بزرگ ضمن پرداخت دستمزد خیاط برای او انعام و شیرینی جداگانه هم می‌فرستاد و پس از تحویل لباس‌ها زمانی برای انتقال آنها به منزل زن حامله مشخص می‌شد؛ این مجلس با جلسه رخت‌برون تفاوت داشت. در جلسه رخت‌برون، اقوام پدر و مادر نوزاد و جمعی از دوستان و آشنایان در منزل مادر بزرگ جمع می‌شدند و جشنی به پا می‌کردند. اما در روز انتقال لباس‌ها، دو مجلس جداگانه تشکیل می‌دادند؛ یکی در منزل مادر بزرگ که همگی اقوام زن حامله بودند و دیگری، در منزل زن حامله که اغلب از خویشان پدر نوزاد محسوب می‌شدند. زمان این مهمانی هم یکی از اعیاد مذهبی یا ایام خوش هفته، هنگام عصر بود. پذیرایی کلی از هر دو گروه مهمان، در منزل زن حامله به عمل می‌آمد و شربت از ضروریات جلسه به شمار می‌رفت؛ همچنین انواع شیرینی، میوه و آجیل. مهمانان ضمن اینکه از شیرینی، قهوه قوتو و آجیلی که مادر برای زایمان دخترش تهیه دیده و همراه با لباس‌ها به مجلس آورده بود، می‌خوردند، تعارف می‌کردند: ان‌شالله به سلامتی چهار چشم روشن بره تو جاش<sup>۱</sup>، حضرت فاطمه دستشه بگیره مایم بیایم زایمون و قهوه قوتو بخوریم، شیرینی و آجیل بخوریم، شب‌نشینی کنیم، ذوق بزنیم. در این جلسه، لباس‌ها و کلیه وسایلی را که مادر بزرگ خریداری کرده بود، یکی از اعضای فامیل به حاضران نشان می‌داد و همه در حالی که کف می‌زدند و کلولو می‌کشیدند، به سلیقه مادر بزرگ آفرین می‌گفتند.

گفتنی است که لباس‌ها، رختخواب، گاجو، شیرینی، قهوه و قوتو و آجیل را افرادی حمل می‌کردند که از کارگران خانگی بودند و اغلب، بسته‌ها را در سینی روی سرشان می‌گذاشتند و پس از تحویل در اتاقی جداگانه پذیرایی می‌شدند و بعد از دریافت شیرینی و انعامی از مادر شوهر زن حامله جلسه را ترک می‌کردند.

۱. دعائی است یعنی خودش و نوزادش به سلامتی به بستر بروند. سیرجانی‌ها به رختخواب و بستر زایمان (جا زایمون) گویند.

### ۳-۵. باورهای عامه پیرامون پوشاک نوزاد

- قدیمی‌ها بر این عقیده بودند که نوزاد از فنداق شدن راضی است و خدا خدا می‌کند که مادرش در موقع بستن بندریجه از دست پدر عصبانی باشد و او را محکم ببندد و بند را چند گره بزند تا آرام بگیرد و راحت بخوابد.

- مادران بعد از اینکه بچه را فنداق می‌کردند، دو دستشان را بر روی او به حالت ضربداری به حرکت درمی‌آوردند و زمزمه می‌کردند:

دستم سبک خوابت گرون      دردت به جون دشمنون  
و باور داشتند که بچه آرام می‌خوابد.

- در روز رخت‌برون اگر مرد یا پسری وارد منزل می‌شد، به فال نیک می‌گرفتند و حتم می‌دانستند که نوزاد پسر است.

- شخصی که از خرید رختو برمی‌گشت، اگر در راهش شیئی زیتتی مانند گل‌مو، سنجاق سینه یا مهره و دکمه‌ای می‌یافت، باور می‌کرد که نوزاد دختر است و در صورتی که میخ، سوزن و یا پیچ مهره‌ای پیدا می‌کرد در پسر بودن جنینی که انتظارش را می‌کشید شک نداشت.

- تبرک کردن لباس برای نوزادی که هنوز متولد نشده در ضریح ائمه و امامزادگان از عقاید مرسوم بود و آوردن آب زمزم از مکه و آب فرات از کربلا برای تبرک کردن سر و صورت نوزاد هنوز هم رایج است. به طور معمول لباس تبرک شده را به بقیه لباس‌ها می‌مالند تا آنها هم تبرک شوند و از لباس متبرک به ندرت استفاده می‌کنند مگر در مواقع خاص، برای مثال، زمانی که بچه ناخوش است، در این صورت لباس تبرکش را می‌پوشند که زودتر چاق شود<sup>۱</sup>.

- در ماه‌های اولیه بارداری اغلب تا شش ماهگی هیچ لباس و وسیله‌ای برای نوزاد نمی‌خرند، مگر اینکه به سفرهای زیارتی بروند و به اصطلاح پارچه یا لباسی تبرکی خریداری کنند.

۱. بهبودی یابد.

## ۱۷۲ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

- بند کِلوَلق، به بند دو رنگی آبی و سفید تابیده به هم می‌گفتند که حتماً در سیسمونی دیده می‌شد. این بند بعد از زایمان به کار می‌آمد، آن را چهار قسمت می‌کردند و ماما یا مادر بزرگ، به گِل<sup>۱</sup> دست راست و گِل پای چپ نوزاد و زائو مانند دستبند می‌بستند چون باور داشتند که جن و آل از بند کِلوَلق می‌ترسند و به زائو و نوزادش نزدیک نمی‌شوند.

این نخ‌ها در روز دهم از دست و پای نوزاد و زائو باز می‌شدند و کاربردی نداشتند. این رسم تا ۶۰-۵۰ سال قبل رایج بود اما در حال حاضر حتی نامی هم از بند کِلوَلق برده نمی‌شود.

### ۶-۳. وضعیت پوشاک نوزادان امروزی

با توجه به اینکه در گذشته تشخیص جنسیت نوزاد امکان نداشت، مجبور به تهیه لباس از هر دو نوع دخترانه و پسرانه بودند و در مجموعه رختویی که مادر بزرگ آماده می‌کرد، همیشه تعدادی پیراهن دخترانه همراه با دور گوشو روسری‌های رنگی و کلاه‌چینوهایی با تزئین مختلف به چشم می‌خورد. ضمن اینکه پیراهن‌های پسرانه متفاوت و پیژامه‌های مختلفی هم برای نوزاد پسر دوخته می‌شد. گفتنی است که این لباس‌ها اندازه‌های مختلف داشتند و گاه بچه‌ها تا دو یا حتی سه سالگی از لباس‌هایی که به عنوان رختو برایشان تهیه شده بود، استفاده می‌کردند. در حال حاضر هم تدارک لباس‌هایی برای سنین مختلف نوزادان به چشم می‌خورد؛ ضمن اینکه از خرید هیچ یک از وسایل مربوط به نوزاد کوتاهی نمی‌شود و هر چه به بازار بیاید، از چشم خریداران و تهیه‌کنندگان سیسمونی بویژه مادر بزرگ‌ها پنهان نمی‌ماند. خرید تخت و لوازم خواب و کمد لباسی، انواع کفش اعم از دمپایی، کفش ورزشی و معمولی، اسباب‌بازی‌های مختلف، لوازم شست‌وشو، ظروف غذا یا وسایل پخت و پز، وسایل حمام، کالسکه، کیف حمل و نقل نوزاد، روروک و حتی دوچرخه هم در سیسمونی‌های امروزی دیده می‌شود و این در حالی است که در سال‌های گذشته گل‌گلو<sup>۲</sup> هم به سفارش مادر بزرگ‌ها برای اولین نوه

۱. مچ

۲. galgelu: روروک چوبی

## رختو و لافو: تهیه رخت و رختخواب نوزاد در سیرجان ❖ ۱۷۳

سفارش داده می‌شد و اولین گیوه را آنها بویژه برای اولین نوه تهیه می‌کردند. همچنین اسباب‌بازی‌هایی مانند عاروسو لته‌ای<sup>۱</sup> و گوی ورچیندنی<sup>۲</sup> که اگر مادر بزرگ خودش از عهده این کار بر می‌آمد زحمتش را به جان می‌خرید و در غیر این صورت هزینه‌اش را می‌پرداخت و با شور و شوق زیادی به نوه‌اش هدیه می‌داد.

به دلیل عرضه انواع سیسمونی‌های کامل داخلی و خارجی و امکان سفر به استان‌های بزرگ‌تر یا حتی کشورهای خارجی، امروزه برای تهیه این ملزومات، نه از خرید پارچه خبری هست و نه از مراسم رخت‌برون، نه خیاط خانواده فراخوانده می‌شود و نه از انعام و شیرینی و زن دایره‌زن نشانی است. شاید به تعداد انگشتان دست، خانواده‌های سنتی پس از خرید سیسمونی تعدادی از اقوام و دوستان را برای بردن آن به منزل زن حامله دعوت کنند که آن هم شور و حال سابق را ندارد چرا که حاملان سیسمونی و تخت و کمد و سایر وسایل، کارگران و رانندگانی هستند که در نهایت سردی و بیگانگی، بار را تحویل می‌دهند و مزد را دریافت می‌کنند و می‌روند؛ سایر وسایل را هم مهمانان با ماشین‌های شخصی حمل می‌کنند؛ بدون شور و حال یا سر و صدا و غوغایی که همسایه‌ها را خبر می‌کرد و به کوچه‌ها می‌کشاند. جلسات هم بسیار معمولی برگزار می‌شوند، بدون توجه به قید و بندها و آداب و سنت‌های قدیمی و بی‌اعتنا به باورها. نه از شربت خبری هست و نه از دعا‌های پر معنا و پر محتوا. تاریخ سزارین مشخص است و کسی دلهره‌زایمان طبیعی را ندارد مثل گذشته نیست که افراد فامیل به اصرار مادر زن حامله بگویند هر وقت درد یادش کرد<sup>۳</sup> ما را هم خبر کنید یا اگر خبر زایمان را دیر به فامیل درجه یک رساندند، گله کنند و برنجند. اوضاع طوری پیش می‌رود که بزرگ‌ترها حتی در خرید کوچک‌ترین وسیله هم دخالت ندارند و دختران برای تهیه سیسمونی پول را دریافت و با سلیقه خودشان خرید می‌کنند گاهی در بین میلیون‌ها تومان هزینه‌ای که به والدین تحمیل می‌شود، حتی یک وسیله کوچک هم به چشم نمی‌خورد که برای پدر و مادر آشنا باشد یا شباهتی به رختو پختوی

۱. عروسک پارچه‌ای

۲. توپ بافتنی

۳. زایمانش شروع شد

## ۱۷۴ ❖ فصلنامه فرهنگ مردم ایران

قدیمی داشته باشد حتی رختو پختویی که سی چهل سال قبل برای همین خانم حامله خریده‌اند و کلی ذوق کرده‌اند.

نام گاچو برای امروزی‌ها ناآشناست و کسی نمی‌داند بندریجه برای چه کاری تهیه می‌شد و معنی این شرمه‌ها<sup>۱</sup> چیست.

پریزاده‌های پریزاده‌های پریزاد	که کاشکی مادرم من را نمی‌زاد
به کوشش <sup>۲</sup> می‌گذاشت شیرم نمی‌داد	به گاچو می‌گذاشت بادم نمی‌داد
پریزاده‌های پریزاده‌های پریزاد	که کاشکی مادرم دختر نمی‌زاد
که کاشکی پشت غربال مُرده بودم	برای محنت دنیا نبودم

### ۴. جمع‌بندی

رخت و لباس نوزاد را که بخشی از سیسمونی محسوب می‌شود، در سیرجان مادر بزرگ مادری تهیه می‌کند. در گذشته، زمان تهیه رختو در سیرجان با وارد شدن زن به ماه ششم حاملگی آغاز می‌شد و اولین مرحله برای این امر تعیین زمان، یعنی ساعت و روز خوش برای خرید پارچه بود که اغلب اعیاد مذهبی برای این مهم انتخاب می‌شد. برای خرید پارچه، مشتری با تهیه نقل یا آبنبات کام فروشنده را شیرین می‌کرد و بزاز نیز با تقدیم پارچه‌ای سعی داشت لطف او را جبران کند.

پوشاک نوزاد با وجود سادگی، از اجزای متنوعی تشکیل می‌شد. سرپوش نوزاد شامل ته سرو، کلوته، دور گوشو، روسرو، دستمال و کلاه بود و لباس زیر او، انواع زیرپوشو یا زیرپیرنی، سینه‌بند و یا سینه‌پوشو، پیرنو و لباس رو را شامل می‌شد. اجزای پوشاک قنناق کردن نوزاد نیز عبارت از مشما، قوایه، بندریجه، چادرو بود. به جز اجزاء، رخت نوزاد با آیین‌هایی نیز همراه بود، از جمله رخت‌برون و ناف‌بندو.

۱. دویته‌های محلی

۲. دامانش